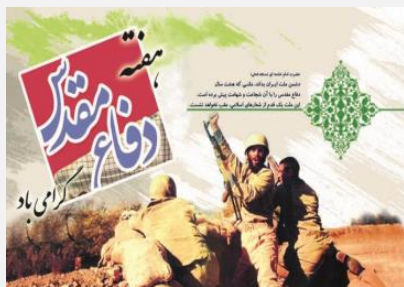


جایگاه دفاع مقدس در تمدن نوین اسلامی

ملت ایران پس از انحطاط تمدنی در قرون اخیر، با انقلاب اسلامی مسیر احیای تمدنی را پیش گرفت.



ملت ایران پس از انحطاط تمدنی در قرون اخیر، با انقلاب اسلامی مسیر احیای تمدنی را پیش گرفت. در این مسیر جنگ تحمیلی هرچند ضربه های فراوانی بر تمدن نوپای انقلاب اسلامی وارد نمود اما از دیگر سو، باعث همبستگی تمدنی، همکاری و تعاون تمدنی، امنیت و اقتدار تمدنی و نیز رشد بی نظیر اخلاق و معنویت در میان ملت ایران گردید که به عنوان الگوی تاریخی و ماندگار این ملت خواهد ماند.

جایگاه دفاع مقدس در تمدن نوین اسلامی

تاریخ تمدن اسلامی که هسته نخستین آن، با شکل گیری حکومت نبوی در مدینه النبی آغاز گردید، سیر پر فراز و فرودی دارد که دوران های مختلف اعتلا و انحطاط و رکود تمدنی را پشت سر گذارده و در نهایت به ضعیف ترین سطح تاریخی خود در دوران پیش از انقلاب اسلامی رسیده است. اما با پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر ساختارهای سیاسی و اجتماعی، موضوع احیاء تمدن اسلامی مطرح گردید و ذیل آن نظریه تمدن نوین اسلامی به عنوان یکی از دیدگاه‌های قابل توجه در این حوزه مورد توجه قرار گرفت.

مراحل تمدن سازی

تمدن نوین اسلامی در یک سلسله مراحل زنجیره وار، حرکت خود را تا رسیدن ایران اسلامی به وضعیت مطلوب تمدنی طی می کند و در فرایند آن، بایستی پنج مرحله از اسلامی سازی ساختار تمدنی به وقوع بپیوندد: مرحله نخست آن «انقلاب اسلامی» است که یک دگرگونی بنیادی لحاظ شده و منظور از آن، همان حرکت انقلابی و جنبشی است که نظام مرتجع وابسته و فاسد را سرنگون کرده و زمینه را برای ایجاد یک نظام جدید آماده نمود. مرحله دوم آن «نظام اسلامی» است که در آن مهندسی و شکل کلی اسلامی در ساختار جامعه پیاده بشود که به وسیله قانون اساسی این مرحله پیاده‌سازی گردید. مرحله سوم آن «دولت اسلامی» است که بایستی کارگزاران نظام اسلامی، جهت گیری ها و رفتارهای اجتماعی و فردی و رابطه شان با مردم، منطبق با موازین اسلامی باشد. مرحله چهارم آن «جامعه اسلامی» است که یعنی جامعه ای که در آن، آرمان ها و اهداف اسلامی تحقق پیدا کند. این زنجیره با تحقق چهار حلقه پیشین به حلقه پنجم می رسد که «تمدن اسلامی» است و ایران اسلامی برای مسلمان های تمام عالم الگو و اسوه خواهد بود. از آن به بعد، بایستی «تمدن بین الملل اسلامی» را با ابعاد وسیع و جهانی آن دنبال نمود که وضعیت ایده آل جهان اسلام در جامعه بشری خواهد بود.

جایگاه دفاع مقدس در تمدن نوین اسلامی

ملت ما آن چه تا کنون در تاریخ انقلاب و ایران پس از انقلاب، از مراحل زنجیره فوق به دست آورده، دو حلقه آغازین آن است و هنوز نتوانسته حلقه سوم آن که دولت اسلامی است را با همان تعریف بیان شده به دست آورد. اما آن چه در این مقطع مورد توجه است، جایگاهی است که تاریخ هشت ساله دفاع مقدس در این زنجیره داشته و یا می تواند داشته باشد. باید پرسید آیا اساساً می توان مدعی شد که میان آن فصل از تاریخ ما با این موضوع ارتباطی وجود دارد و یا این که میان این دو موضوع، هیچ ارتباطی وجود ندارد؟

تاریخ هشت ساله دفاع مقدس از چند جهت با مسائل تمدنی ارتباط پیدا می کند:

1. همبستگی تمدنی

تمدن پژوهان معتقدند تمدن در مسیر پیدایش و اعتلا نیازمند همبستگی است. این موضوع عاملی است که انگیزه را برای همکاری میان یک ملت شکل می دهد و سبب می شود انسان ها در گسترش تمدن مشارکت کرده و در برابر سختی ها و فشارها بایستند.[1] در واقع این همان پایبندی به اصل وحدت و یکپارچگی اجتماعی است که به عنوان یک عامل مهم و موثر در پیشرفت تمدن ها شناخته می شود.[2]

در تاریخ انقلاب اسلامی هرچند حمله رژیم بعث با همکاری غرب و شرق، بخش‌های زیادی از ساختارهای شهری و صنعتی ایران را دچار آسیب نمود، اما باعث گردید که مردم مسلمان ایران در یک هدف مشخص به اشتراک برسند و همگی ذیل آن هدف هم صدا شوند و به تعبیر امام راحل جنگ را تا «رفع فتنه» با قدرت و قوت دنبال کنند.

بنابراین ملت ایران در حالی که در جنگ از لحاظ جمعیتی و کمیّتی دچار آسیب و تلفات می شدند و هر روز تعدادی از نظامیان و غیرنظامیان ایرانی، به شهادت می رسیدند، اما از لحاظ کیفیتی سطح همبستگی آنان هر روز افزایش پیدا می کرد و همگی در تکاپوی آن هدف مشترک، فداکاری و ایثار می نمودند.

جایگاه دفاع مقدس در تمدن نوین اسلامی

2. همکاری و تعاون تمدنی

دیگر نکته ای که در مباحث تمدنی جایگاه ویژه‌ی *shy&* ای دارد، مسئله تعاون و همکاری است که به عنوان یکی از عوامل مؤثر در زایش و اعتلای تمدن‌ها شمرده شده است. [3] به طور طبیعی اگر اعضای یک تمدن، دارای همبستگی باشند، همکاری و هم افزایی میان آنان به وجود خواهد آمد و نیازمندی‌های خود را به صورت مشترک با یکدیگر برطرف خواهند نمود. فضایی که جنگ برای مردم ایران به وجود آورد، یک سری نیازهایی برای رزمندگان در جبهه‌ی *shy&*ها ایجاد می نمود. تأمین این نیازها جز با همکاری میان مردم قابل تحصیل نبود. در تمام سال‌های دفاع مقدس، بسیاری از کالاهای مصرفی که برای نیروهای جنگی تأمین می شد، از جزئی‌ترین اقلام خوراکی و پوشاکی گرفته تا اقلام بهداشتی و پزشکی و وسایل امداد و نجات، از طریق شبکه‌های مختلف کمک‌های مردمی جمع‌آوری گردیده و یک مشارکت به معنای واقعی عمومی در این جهت انجام می پذیرفت که تجربه آن در سال‌های پس از دفاع مقدس نیز کارآمد بوده و همچنان یکی از نکات مثبت روحیه ملت ایران شمرده می شود.

3. امنیت و اقتدار تمدنی

می دانیم جنگ یک موضوع ضدتمدنی است. زیرا هم به نهادها و ساختارهای اجتماعی آسیب می رساند و هم ساختارهای عمرانی و صنعتی را نابود می کند. در جنگ مسجد و مدرسه و بیمارستان از یک سو دچار آسیب و تخریب می شوند و از سوی دیگر کارخانه و نیروگاه و پالایشگاه، تخریب شده و فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی آسیب می بینند و یا به کلی نابود می شوند. اما آن چیزی که بستر امنیت را فراهم آورده و می تواند از مضرات بیشتر جنگ جلوگیری کند، مفهوم ارزشمند «جهاد» است که در دفاع مقدس شاهد آن بودیم. قرآن کریم در بیان رسای خود تأکید می کند که اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها، صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می شود، ویران می گردند. [4] این یعنی امنیت و ماندگاری تمام نهادهای اجتماعی از جمله نهادهای دینی تماماً وابستگی به دفاعی دارد که رزمندگان جهادگر در میدان جهاد آن را به عهده دارند. در واقع استواری و برقراری تمام ساختارهای شهری مرهون نقش نظامی نظامیان است که در عرصه جنگ سخت با دشمنان مبارزه می کنند. به همین جهت است که تمدن پژوهان، نگاهبانی از حدود سرزمین و تقویت بنیاد نیروی نظامی را به عنوان یکی از مولفه‌های *shy&*های مؤثر در پیشرفت تمدن‌ها عنوان نموده‌اند. [5]

از همین رو می توان به نقش پراهمیت صنایع نظامی در حفظ اقتدار و امنیت یک تمدن پی برد. تزاخم منافع بین المللی و وجود دولت‌های *shy&* استعماری و سلطه جو نشان می دهد که یک کشور به هر میزان در بخش دفاعی از توان و قدرت بالاتری برخوردار باشد، به همان میزان، ضریب امنیت خود را افزایش داده و نسبت به تهدیدهای خارجی بازدارندگی ایجاد می کند؛ مسئله ای که در ابتدای جنگ تحمیلی وجود نداشت اما در فرایند دفاع مقدس ملت ایران با استفاده از توان داخلی خود و نقش نوآورانه نیروهای کارآمد خود، بدان دست یافت و امروزه وامدار همان همت و تلاش است.

بنابراین در حالی که جنگ توان داخلی یک کشور را مصروف خود می کند و با هزینه‌های سنگینی که بر ملت تحمیل می کند، باعث می شود حکومت و مردم از بسیاری از فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی و صنعتی باز بمانند؛ اما این یک روی سکه جنگ است؛ روی دیگر آن بستری از «نیاز» است که ملت را به تکاپو و تحرک وادار می کند و آنان را در جهت تأمین نیازهای نظامی و غیرنظامی خود، به ابتکار عمل وادار می کند.

4. رشد بی نظیر اخلاق و معنویت

ویل دورانت یکی از چهار رکن اصلی تمدن را این گونه می شمارد: سنن اخلاقی که مقوم جامعه تمدنی است؛ در واقع اخلاق مبتنی بر ارزش‌های فرهنگی جامعه به شکل‌گیری، هدایت و استمرار حیات تمدنی منجر می شود. [6]

جایگاه دفاع مقدس در تمدن نوین اسلامی

پس از انقلاب اسلامی، جنگ در شرایطی بر ملت ایران تحمیل شد که در سال‌هایی نزدیک، فضای جامعه با فرهنگ سازی ضد ارزشی و ضد اخلاقی حکومت طاغوت اداره می گردید و جوانان به انواع رذایل اخلاقی سوق داده می شدند و بی بند و باری اخلاقی و دوری از ارزش‌های اسلامی، ترویج می گردید. اما در مدتی کوتاه، انقلاب اسلامی جوانانی را به کارزار جنگ و جهاد آورد که در تحولی شگرف، زیباترین صحنه‌های مردانگی، شجاعت، از خودگذشتگی، و شهادت طلبی را به نمایش گذاردند.

جوانانی که تا پیش از انقلاب، درک روشنی از بسیاری مفاهیم اخلاقی نداشتند، در کارزار جهاد و دفاع مقدس و در پرتو رهبری والای امام امت، گوی سبقت اخلاق و عرفان را از یکدیگر ربوده و نمونه های مثال زدنی اخلاق و معنویت گشتند. آنان به درجاتی از معرفت رسیدند که منافع شخصی را فراموش کرده و همه وجودشان دغدغه اسلام و انقلاب گردید؛ تا جایی که امام امت خطاب به علما درباره عظمت وصایای شهدای دفاع مقدس فرمود: «پنجاه سال عبادت کردید و خداوند قبول کند؛ یک بار هم بنشینید و یکی از این وصیت نامه ها را بخوانید و تفکر کنید...». به راستی تاثیری که فرهنگ جهاد و شهادت بر تمدن نوپای انقلاب اسلامی گذارد، موضوعی است که فراتر از نقش های معمول نظامی در عرصه تمدنی است.

بر اساس آن چه بیان گردید، دفاع مقدس در ابعاد مختلفی از جامعه پردازی بر تمدن انقلاب اسلامی اثر گذارده و با الگوها و صحنه های تاریخی ماندگار خود، تا سال ها می تواند تابلوی الهام بخش ملت ایران در حرکت تمدنی خود باشد.

پی نوشت:

- [1] . کاشفی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص 45.
 - [2] . جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص 31.
 - [3] . ولایتی، فرهنگ و تمدن اسلامی، ص 20.
 - [4] . حج 40.
 - [5] . جان احمدی، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، ص 31.
 - [6] . ویل دورانت، مشرق گاهواره تمدن، ترجمه احمد آرام و دیگران ج 1 ص 3.
- راسخون